

این معامله از اساس باطل است

وکیل دکتر رضا مقصودی

این روزها طرح آزمون بدون ظرفیت در پذیرش وکیل داغ است. تازیانه ای دیگر از بی امان و بی شمار ضرباتی که در این سالهای سخت و پر بیم و امید بر پیکره درخت سپند و کهنسال و حالا رنجور وکالت فرو نشسته؛ تا امید به ثمربخشی آن بخشکد و آرزوی ایفای نقش های سازنده و حیاتی اش هر چه دست نیافتنی تر بنماید.

تنها دلیل و انگیزه یا بهانه ای که داعمیان بظاهر خیراندیش این طرح تاکنون عنوان کرده اند، ایجاد اشتغال برای خیل بیکاران رشته حقوق است.

قلم بدینجا رسید و سر بشکست...

براستی اعتراض و انتقاد از روشی که در تلاش است وکالت را در روح و جان جامعه بعنوان منبع زاینده درآمد و رفاه و تنعم معرفی کند و ذهنیتی که وکیل موفق را معادل وکیل پولساز می بیند و طرح تغییر نقش مصلحانه وکیل به تاجر چهارپولی که مذهبش پول پرستی، فلسفه اخلاقش لذت جویی، ادبیات و هنرش تبلیغ اشرافی گری و در نتیجه همت غایی او معیشتی بی دغدغه و بی مسئولیت است و سیاستی که عامدانه در صدد به نسیان سپردن همه آثار، خدمات، مجاهدت ها و عظمت هایی است که اسلافمان به قیمت از دست دادنهای بسیار، بدست آوردند و برنامه ای که سلب مسئولیت بزرگ انسانی و اجتماعی وکیل را بعنوان نقشه راه دنبال می کند و تبلیغ مخرب و مداوم اندک حق الوکاله های کلان و ساختن قاعده ای عام از این استثناء با تسری آن به غالب قریب اتفاق حق الوکاله های موجود و معدوم؛ به عهده و متوجه چه کسی است؟

وقتی که بدخواهان نقش بی بدیل و عدیل وکالت را عمداً منکر شده، نور و روشنی و حرارتش را در پستوی تاریک ذهنیت جامعه زندانی کرده، میراث ارزشمند گذشتگان حقوق از اسائیدی که اساساً هدف حقوق را عدالت دانسته، تصریح می کردند که انسان باید منطق و قانون را برای تحقق عدالت به کار ببندد تا بزرگان عرصه وکالت که در تحقق عدالت قضائی، برای آزادی و زندگی و لبخند و راحتی مردم، اسارت و مرگ و رنج و مرارت خود را انتخاب کردند؛ همه این برکات و آثار و تحولات را که می بایست چون نگینی ارزنده بر تارک افتخارات یک نسل بدرخشید، خطر دیده، سعی در تحقیر و تکفیرش می کنند؛ انتظار آنکه از این حرفه منبع نقش و کارکردی جز اشتغال و اعاشه ندیده، آنرا بمثابه سایر شغل های بی دغدغه و اثر به ابتدال و پوچی زندگی روزمره گی نکشاند، نمی رود.

اما انسان آگاه و باریک بین در نگاهی گذارا به تاریخ و خاستگاه این شغل شریف بخوبی می بیند که آنچه در مبانی و اسباب وکالت فروغ کمتر و جلوه ضعیف تری داشته و در نازل ترین سطح بینش واضعان و بانیان و باقیان و متولیان آن جای گرفته، "اعاشه" و "اشتغال" بوده است.

شاهدان بسیاری برای گواهی به این مهم در برابر دادگاه وجدان های بیدار به شهادت ایستاده اند که از آن جمله سرمایه های نمادین و اسطوره های وکالت است. میراث ماندگار و اصیلی چون:

دفاع از حق، پیش بینی، پیش گوئی و پیشگیری قضایا، نظارت بر قوانین، انتظار، اصلاح و انتقاد، ذاتاً مستقل، استقرار قانون و نظارت بر حسن جریان آن، نظم عمومی، اخلاق حسنه، عدالت، حقوق بشر، حافظ، حامی و مددکار دادخواهان و ستمدیدگان، بررسی و تهیه و تنظیم قوانین هماهنگ با پیشرفت اجتماع، رشد و بالندگی آراء، رویه ها و موازین قضائی. امانتی به این سنگینی بر عهده متولیان این جوهر گرانقدر و حاملان این صفت منیع قرار گرفته تا نقش سازنده و بی بدیل خود را در اجتماع ایفاء و اجراء کنند و ما آنرا به ابتدائی ترین سطح یعنی اشتغال و تامین معیشت بی دغدغه تنزل داده ایم. خدایا این چه حکمت است؟

و قرار دادن رسالتی خطیر و به این بزرگی بر عهده هر فارغ التحصیل حقوق که از هر واحد دانشگاهی لیسانس گرفته و زندگی روزمره اش را عاجز گشته است؛ در این وانفسای شرائط علمی که بگفته مرحوم دکتر کاتوزیان مدرک دکتری حقوقش نیز دیگر آماره ی سواد نیست.

خدایا این باز چه غریت و مظلومیتی است بر سرنوشت عدالت؟

و تاوان غرامت و تحمّل بار مشکلات ناشی از بی تدبیری اولیاء امر در رفع و حل معضل بیکاری و سامان و انتظام وضع اقتصادی بر دوش ناتوان و گُرده ی مجروح وکالت و واگذاری تکلیف ممتنع دفاع از حق و دستگیری از کسانی که دست یاری، چشم امید و روی نیازشان به دادخواهی گشوده است، بر عهده کسانی که در طلب نان و به انگیزه معیشت و از فرط استیصال وکالت می کنند! (هر چند وکالت حتی در وضع حاضر نیز از این بلّیه رنج می برد).

خداوندا این دیگر چه حکایت غریبی است در کج و پیچ احقاق حق؟

التهایه برای احتراز و دفع شبهه احتمالی تنبیه دو امر ضروریست:

۱- انتقاد از رویه ای که تلاش دارد تمام هم و غم و کیل را در سطح نازل تامین اعاشه محدود کرده و به تصویر بکشد، به معنای چشم پوشی از ضرورت این مهم و رفع و فصل مشکلات و موانع امرار معاش آبرومند نبوده، بلکه تدبیر ساز و کار مناسب برای اعاشه وکلا و خاصّه وکلای جوان از نخستین اولویت برنامه های مدیران کانون بنظر می رسد. از بدیهیات است که هم اینک نیز وکالت از آسیب ها و زخم های ناشی از سختی تامین معیشت با حفظ اصول و ارزش های اخلاقی و موازین حرفه ای بشدت رنج می برد. بی تردید تامین زندگی و گذران معیشت بنوع شرافتمندانه و در شان وکیل، لازم بین وکالت بوده و با رعایت اسباب و لوازمش حق مسلّم و عقلانی هر کسی است که چنین مسئولیت خطیری را بدوش می کشد ولی این خصیصه هرگز جای صفات اصلی، سرمایه های نمادین و اسطوره های مشترک وکالت که شرح آن گذشت، را نمی گیرد.

۲- دفاع از شاکله وکالت هرگز شامل عمل عده ای در این کسوت که برای جیفه دنیا، تدلیس ماشطه کرده، نقش مار کشیده، برای حق الوکاله به هر قیمت بدون مطالعه و احراز پیشبرد و با اساس بودن و وجود مبنا و سبب دعوی، قبول وکالت کرده، وعده واهی داده، شب را روز و روز را شب جلوه می دهند؛ نخواهد شد. این نیز زخمی است کهنه که روزی با نشتر حق محوری سر باز کرده، علاج خواهد شد.